

واژه های مهم

لحن: آواز، صدای دلنشین

جاذبه: گیرایی

مشتاق: علاقه مند

برق: درخشش، جذابیت

بی نظیر: بی مانند

دستپاچگی: اضطراب داشتن

رزق: خوراک

🌟 کلاس، ساکت ساکت است: ← تکرار (کلاس: منظور دانش آموزان کلاس است)

🌟 چشم دوختن: ← کنایه از نگاه کردن

مروریدی در صدف

واژه های مهم

استعداد: توانایی

کوشا: تلاشگر

تحسین: آفرین گفتن

شگفتی: تعجب

🌟 پدر از پروین، همچون مروریدی در صدف، با دقت مراقبت می کرد: ← تشبیه

توضیحات شعر ای مرغک

www.my-dars.ir

بیت اول:

ای مرغک خُرد ز آشیانه پرواز کن و پریدن آموز

🌟 مرغک خُرد: پرنده کوچک

نثروان: ای پرنده کوچک از لانه ات پرواز کن تا پرواز را یاد بگیری.

نکته: در این شعر هر جا که با پرنده حرف زده می شود (تشخیص است) ← «ای مرغک، تشخیص»

بیت دوم:

تا کی حرکات کودکانه؟ در باغ و چمن چمیدن آموز

چمیدن: راه رفتن با ناز و غرور

نُروان: تا چه زمانی می خواهی رفتار کودکانه داشته باشی؛ وقت آن رسیده تا با ناز و غرور در باغ و چمنزار راه بروی.

بیت سوم:

رام تو نمی شود زمانه رام از چه شدی؟ رمیدن آموز

زمانه: روزگار رم: مطیع رمیدن: فرار کردن

نُروان: روزگار مطیع تو نمی شود پس تو هم از روزگار اطاعت نکن و تلاش کن راه فرار کردن را یاد بگیری.
(راه بر طرف کردن مشکلات زندگی را یاد بگیر)

بیت چهارم:

مندیش که دام هست یا نه بر مردم چشم دیدن آموز

مندیش: فکر نکن مردم چشم: مردمک چشم

نُروان: به مشکلات زندگی فکر نکن و سعی کن سختی ها را به روشی درست از پیش رو برداری.

بیت پنجم:

شو روز به فکر آب و دانه هنگام شب آرمیدن آموز

شو: برو آرمیدن: استراحت کردن

نُروان: روزها را به دنبال آب و غذا باش و شب ها را استراحت کن.

روز و شب: ← تضاد

زندگی حسابی

واژه های مهم

پروا: ترس

چیره: پیروز

پاسی: بخشی از زمان

فراغت: آسایش

آراسته: زیبا

پژوهش: تحقیق

بیت:

نیرزد آنکه دلی را ز خود بیازاری

به جان زنده دلان سعدیا که مُلک وجود

مُلک وجود: دنیا 🌟

زنده دلان: انسان های عاشق و شاد 🌟

نثر روان: ای سعدی به جان انسان های شاد و عاشق تو را قسم می دهم که این دنیا ارزش ندارد که کسی را آزار بدهی.

فرزند انقلاب

واژه های مهم

مُعظم: بزرگوار

تلاوت: خواندن

صالح: نیکو کار

قرائت: خواندن

نوید: خبر خوش

مشاعره: مسابقه شعر خواندن

چشم از جهان فرو بستن: ← کنایه از مُردن 🌟

دانش زبانی: ویژگی های فعل (۱)

فعل ویژگی هایی دارد؛ یکی از ویژگی های فعل، «زمان» است. هر فعل دارای سه زمان است:

- گذشته یا ماضی
- حال یا مضارع
- مستقبل یا آینده

فعل ماضی: فعلی است که در گذشته اتفاق افتاده است و هیچ نشانه ای ندارد.

مثال: رفتم - نوشتی - خورد - گفتیم - پوشیدند - خواندی - شنیدیم

مثال در جمله: من دیروز به بازار رفتم.

فعل مضارع: فعلی است که در زمان حال اتفاق می افتد و اول آن نشانه ی «می یا ب» می آید.

مثال: می روم - می خوری - می نویسد - بیوشیم - بنویسند - بروید و

مثال در جمله: خواهرم امروز به سفر می رود.

مثال در جمله: شاید اکنون تمام تکالیفم را بنویسم.

فعل مستقبل: فعلی است که در زمان آینده اتفاق خواهد افتاد و اول آن نشانه ی «خواه» می آید.

مثال: خواهم رفت - خواهی آمد - خواهند نوشت - خواهیم گرفت - خواهد برد و

مثال در جمله: دوستانم فردا به کتابخانه خواهند رفت.

مثال در جمله: تابستان کتاب های ادبی خواهم خواند.

قالب شعر قطعه

قالب شعر، به شکل شعر گفته می شود که شامل طرز قرار گرفتن مصراع ها و قافیه های شعر است.

قطعه: قالب شعری است که مصراع دوم همه ی بیت های آن، هم قافیه هستند.

شکل زیر، طرز قرار گرفتن قافیه در قالب قطعه را نشان می دهد:



مثال ۱:

<p>قافیه</p> <p>صبحدم از چشم یتیمی <u>چکید</u></p> <p>گاه درافتاد و زمانی <u>دوید</u></p> <p>گاه نهان گشت و گهی شد <u>پدید</u></p>	<p>آن شنیدید که یک قطره ی اشک</p> <p>برد بسی رنج و نشیب فراز</p> <p>گاه درخشید و گهی تیره ماند</p>
--	--

مثال ۲:

<p>قافیه</p> <p>رسید از دست محبوبی به <u>دستم</u></p> <p>که از بوی دلاویز تو <u>مستم</u></p> <p>ولیکن مدتی با گل <u>نشستم</u></p>	<p>گلی خوشبوی در حمام روزی</p> <p>بدو گفتم که مشکِ یابویی</p> <p>بگفتا من گلی ناچیز بودم</p>
---	--

قطعه شعری است که در آن به پند و اندرز و مسائل اخلاقی و اجتماعی می پردازند.